

ماجرای ولادت امیرالمؤمنین در کعبه

ولادت امیرالمؤمنین علیه‌السلام بعنوان دومین شخص خلقت، همانند ولادت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله بعنوان اول شخص خلقت در بین امم گذشته مطرح بوده و در کتابهای خود از آن خبرها داده‌اند.

هنگامی که ولادت ایشان نزدیک شد و زمان طلوع این دو خورشید تابناک فرا رسید، پیگیری این واقعه عظیم خلقت بیشتر شد و اوصیاء انبیاء و نیز احبار یهود و راهبان صومعه‌ها که از وحی پروردگار و کتب انبیاء این خبر را می‌دانستند در انتظار وقوع آن روز شماری می‌کردند، و بیش از پیش خبر آن را منتشر می‌ساختند.

تفصیل ماجرای ولادت در کعبه در سه قسمت، مراحل وقوع این واقعه عظیم را ترسیم کرده تا به راحتی قابل تجزیه و تحلیل باشد.

ماجرای قبل از ورود به کعبه

ولادت امیرالمؤمنین علیه‌السلام و حتی مقدمات آن در بین تمام تولدهای جهان استثنایی بوده و بصورت غیر عادی بوقوع پیوسته است. در اینجا گوشه‌هایی از آن را می‌خوانیم.

۱ دست ناپاک به ولی خدا نمی‌رسد

شب جمعه سیزدهم ماه رجب سال سی‌ام از عام الفیل بود. ۲۰ ثلثی از شب گذشته درد بر فاطمه بنت اسد عارض شد. حضرت ابوطالب به او گفت: ناراحت به نظر می‌آیی؟ فاطمه گفت: احساس درد و ناراحتی دارم. حضرت آن اسمی را که در ذکر آن نجات از گرفتاریها بود بر زبان آورد، و فاطمه آرام گرفت.

سپس به او گفت: من می‌روم عده‌ای از زنان آشنایت را بیاورم تا در این موقع شب تو را در ولادت فرزندت یاری دهند. فاطمه گفت: هر طور صلاح می‌دانی عمل کن. ناگهان ندایی از گوشه خانه شنیده شد که می‌گفت:

«ای ابوطالب، صبر کن! چرا که ولی خدا را دست نجس نباید لمس کند».

۲

فاطمه تا کعبه می‌آید

صبح هنگام، بار دیگر فاطمه بنت اسد را درد عارض شد. حضرت ابوطالب علیه‌السلام ناراحت و پریشان از خانه بیرون آمد. در راه عده‌ای از زنان قریش را دید که علت ناراحتی را از او پرسیدند. حضرت پاسخ داد: «فاطمه در شدیدترین حال وضع حمل قرار گرفته است». و سپس ابوطالب دست بر صورتش گذاشت.

در این حال پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله رسید و پرسید: عمو جان، چرا ناراحتی؟! عرض کرد: فاطمه بنت اسد در حال وضع حمل است.

در همین حال، فاطمه ندایی را شنید که می‌گوید: ای فاطمه، بر تو باد که به خانه خدا بروی!

پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله دست ابوطالب علیه‌السلام را گرفت و با هم نزد فاطمه آمدند و او را با خود کنار خانه خدا آوردند.

۳

دعای فاطمه کنار کعبه

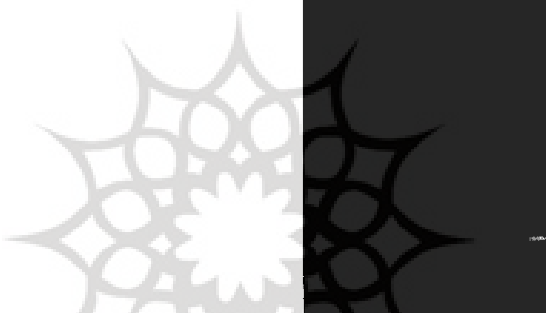
عباس بن عبدالمطلب به همراه عده‌ای از قریش کنار خانه خدا نشسته بودند. در این هنگام فاطمه بنت اسد وارد مسجد الحرام شد و مقابل کعبه ایستاد و نگاهی به سوی آسمان نمود و چنین گفت:

پروردگارا، من به تو و به پیامبران و کتابهایی که از جانب تو آمده‌اند ایمان دارم. من کلام جدم ابراهیم خلیل را تصدیق می‌کنم و او بوده که این خانه را بنا کرده است. تو را قسم می‌دهم و از تو می‌خواهم بحق کسی که این خانه را بنا کرد و به حق فرزندی که در شکم من است و با من سخن می‌گوید و با گفتارش با من انس می‌گیرد، و من یقین دارم که یکی از آیات و نشانه‌های توست، که این ولادت را بر من آسان فرمایی.

۴

شکاف دیوار و ورود فاطمه به کعبه

فاطمه بنت اسد در قسمت پشت کعبه ۶ ایستاده بود و



بهشتی همه مطالبی است که به اشاره برای ما گفته شده است. آنچه در این قسمت می‌خوانیم چند جلوه از این وقایع است.

پژوهشگاه علوم انسانی مطالعات فرهنگی

غذای بهشتی در کعبه ۷

قدم گذاشتن فاطمه به کعبه چیزی جز دعوت خدا نبود، چرا که از در خانه وارد نشد بلکه خالق جهان آفرین با قدرت خود دیوار را شکافت و فاطمه را فرا خواند و دوباره دیوار را بست.

اینک باید پذیرایی الهی از این میهمان صورت گیرد و در شأن خداوندی سفره گسترده شود.

آری این چنین بود که فاطمه سه روز درون کعبه ماند و از میوه‌ها و غذاهای بهشت برایش آوردند.

او به حقیقت مهمانی الهی را از نزدیک درک نمود و سه روز تمام از خوردنیهای بهشت که تمام خلق در آرزوی آنند استفاده کرد.

۲

زنان بهشت پرستار علی علیه السلام ۸

همینکه فاطمه بنت اسد درون کعبه قرار گرفت، پنج بانو نزد او آمدند در حالیکه لباسی همچون حریر سفید بر تن داشتند و عطری خوش‌تر از مشک ناب از آنان شنیده می‌شد. اینان حواء و ساره و آسیه و مادر موسی بن عمران و مریم

به کعبه این دعا را می‌خواند که ناگهان پیش چشمان همه حاضران دیوار خانه خدا از همان قسمت شکاف برداشت و آنقدر از هم فاصله گرفت که فاطمه توانست از شکاف دیوار وارد شود و جبرئیل او را به داخل برد و دوباره دیوار به هم آمد و او داخل کعبه ماند.

این اولین جلوه این ولادت معجز نشان بود که خبر آن فوراً در سراسر مکه پخش شد و شاهدان عینی دیده‌های خود را برای دیگران بازگو کردند.

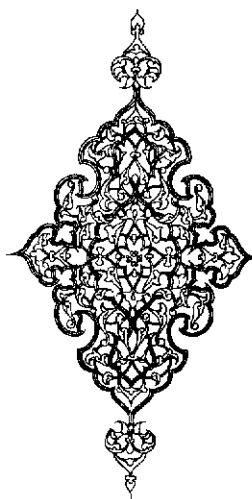
این دعوت الهی انجام گرفت و میهمانی خداوند آغاز شد. فاطمه سه روز میان کعبه ماند و حجابها از برابرش کنار رفت؛ از نعم بهشتی استفاده کرد و سروش غیبی شنید و مناظری لکونی مشاهده کرد.

ماجراهای داخل کعبه در طول سه روز

در طول سه روز که فاطمه بنت اسد درون کعبه ماند سایل بسیاری پیش آمده که برای ما بازگو نشده و نباید هم شود.

خداوند قفل کعبه را چنان چرخانید که هیچ بشری نتواند آن را باز کند و از سر خداوند آگاهی یابد. وجود سراللهی و ادری که محرم سرالله گشته رازهای کعبه را فاش نخواهد کرد مگر آنچه ربّ البیت به او اجازه داده باشد.

برنامه خود فاطمه در طول سه روز، افعال و حرکات تازه و لود در این ایام، دیدارهای آسمانی، ندهای غیبی و سفره‌های



مادر عیسی بودند.

اینان از طرف خداوند برای کمک در ولادت امیرالمؤمنین علیه السلام فرستاده شدند، و نباید که زنان ناپاک مکه در ولادت چنین مولودی حضور داشته باشند. آنان رو به فاطمه بنت اسد کردند و گفتند: «السَّلَامُ عَلَیْکَ یا وَلِیَّةَ اللَّهِ». «سلام بر تو ای بانویی که از اولیای خدا هستی». فاطمه جواب سلام آنان را داد. زنان بهشتی برابر او نشستند در حالیکه هر یک ظرف عطری از نقره در دست داشتند.

۶

پیامبران علیهم السلام در زیارت نوزاد کعبه ۱۳

سپس پنج مرد والا مقام وارد شدند. امیرالمؤمنین علیه السلام با دیدن آنان حرکتی کرد و خندید. آنان گفتند: «سلام بر تو ای ولی خدا و و خلیفه پیامبر خدا». حضرت در جواب فرمود: «وَعَلَیْکُمُ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَکَاتُهُ» و سپس به هر یک جداگانه سلام کرد.

اینان پیامبران خدا: حضرت آدم، حضرت نوح، حضرت ابراهیم، حضرت موسی و حضرت عیسی علیهم السلام بودند. یکی پس از دیگری نوزاد را گرفتند و بوسیدند و زبان به مدح او گشودند و سپس رفتند.

۷

ملانکه در دیدار نور کعبه ۱۴

فاطمه بنت اسد می گوید: ناگهان صدای بال ملانکه را شنیدم و ابری سفید رنگ را دیدم که تا کنار فرزندم آمد و او را با خود برداشت و به آسمان برد. در این حال شنیدم که ندایی می گفت:

بگردانید علی بن ابی طالب را در شرق و غرب زمین، و خشکی و دریاهای آن و کوهها و آسمانهای آن، و احکام پیامبران و علوم وصیین و همه اخلاق انبیاء و مرسلین و اوصیاء و صدیقین را به او بدهید، و آنچه درباره برادرش سید الاولین و الاخرین انجام شده برای او هم انجام دهید. او را بر همه انبیاء و مرسلین و ملانکه مقربین و اهل آسمانها و زمین نشان دهید که او ولی خدای رب العالمین است.

فاطمه می گوید: رفت و بازگشت علی علیه السلام کمتر از ساعتی طول کشید و او را بازگرداندند. ناگهان ابر دیگری را دیدم که به سوی او پایین آمد و مانند دقعه اول او را با خود برد و شنیدم ندایی می گفت:

علی بن ابی طالب را نزد همه مخلوقات خدا ببرید و احکام علم و حلم و ورع و زهد و تقوی و سخاوت و بلند مرتبگی و نورانیت و تواضع و خشوع و رقت و هیبت و مروّت و کرم و مودت و شفاعت و شجاعت و حفظ و دیانت و قناعت و فصاحت و عفاف و انصاف و نیکی و همه اخلاق انبیاء را به او دهید.

فاطمه می گوید: ناگاه فرزندم را در مقابلم دیدم که او را در حریر سفید بهشتی پیچیده بودند و به من گفتند:

او را از چشم بینندگان حفظ کن که ولی رب العالمین است. بدانکه وارد بهشت نمی شود مگر کسیکه ولایت او را بپذیرد و امامت و ولایت او را تصدیق کند. خوشحال آنکه تابع اوست و وای بر کسی که از او رو گردان شود. مثل او چون کشتی نوح است که هر که بر آن سوار شد نجات می یابد و هر که از آن باز ماند غرق می شود و سقوط می کند.

۳

علی علیه السلام قدم در جهان گذاشت ۹

علی بن ابی طالب علیه السلام همچون خورشید درخشید و قدم بر چشم جهانیان نهاد و زمین را با قدم خود رشک عرشیان نمود، و بر روی سنگ سرخ در گوشه راست کعبه بدنیا آمد.

همینکه قدم بر زمین گذاشت به سجده افتاد و در همان حال دستها را سوی آسمان بلند کرد و چنین گفت: «شهادت می دهم که خدایی جز الله نیست و محمد پیامبر خدا است و علی وصی محمد رسول الله است. با محمد نبوت ختم می شود و با من وصایت کامل می شود و من امیرالمؤمنین هستم».

سپس فرمود: «جاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ»، «حق آمد و باطل رفت».

۴

سقوط بتها در ولادت نوزاد کعبه ۱۰

آنگاه که امیرالمؤمنین علیه السلام به دنیا آمد نور حضرت از کعبه تا سینه آسمان را شکافت، و بتهایی که بر روی کعبه نصب شده بود به صورت افتادند. شیطان فریاد برآورد و گفت: وای بر بتها و عبادت کنندگانشان از این فرزند!

۵

مولود کعبه در آغوش بانوان بهشت ۱۱

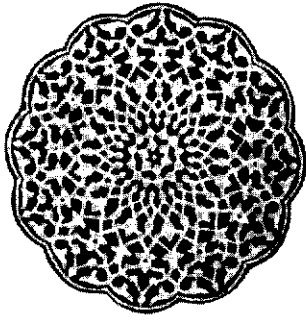
نوزاد رو به بانوان بهشتی نمود و به آنان سلام و خیر مقدم گفت و سپس فرمود:

«شهادت می دهم که خدایی جز الله نیست. یگانه است و شریک ندارد. و شهادت می دهم که محمد پیامبر خداست، با او نبوت و با من ولایت ختم می شود».

حضرت حواء تازه مولود را از زمین برداشت و در آغوش گرفت. علی علیه السلام نگاهی به صورت او انداخت و با بیانی رسا و واضح گفت: سلام بر تو ای مادر! حواء در پاسخ گفت: سلام بر تو پسر! حضرت پرسید: پدرم (آدم علیه السلام) چه می کند؟ گفت: غرق در نعمتهای خداوند است و در جوار پروردگار منتعم است.

حضرت مریم نزدیک آمد در حالیکه ظرف عطری همراهش بود، و علی علیه السلام را از آغوش حواء گرفت. مولود کعبه نگاهی به روی مریم کرد و گفت: سلام بر تو خواهر! گفت: سلام بر تو برادرم! پرسید: عمویم چه می کند؟ گفت: خوب است و به تو سلام رسانده است. آنگاه مریم با عطری که همراه داشت نوزاد را معطر نمود.





او در خانه من بدنیا آمده است. او اوّل کسی است که بر فراز خانه من اذان می گوید و بتها را می شکند و آنها را از بالای کعبه به صورت می اندازد. اوست که مرا به عظمت یاد می کند و مرا تقدیس و تمجید می کند و به یگانگی یاد می نماید. اوست امام بعد از حبیب من و پیامبرم و برگزیده از خلقم و رسولم محمد، و اوست جانشینش. خوشحال کسی که او را دوست می دارد و او را اطاعت می کند و او را یاری می نماید، و وای بر کسی که بغض او را دارد و از او سرپیچی می کند و او را خوار می کند و حق او را انکار می نماید.

و در روایت دیگر هاتف غیبی چنین گفت: ای فاطمه نام فرزندت را علی بگذار، چرا که خدای علی اعلی به من دستور داده که به تو چنین بگویم و خداوند می گوید: منم محمود و حبیب من محمد است، و منم علی و ولی من علی است. نام آن دو را از نام خود گرفته ام و آنان را به ادب خود تادیب نموده ام و آنان را بر علم خود آگاه نموده ام. آنان از انتخاب شدگانند و نور آنان را از نور خود خلق کرده ام. قسم به عزت و جلالم، من نام ولیم را از نام خود گرفته ام. او در خانه من بدنیا آمده و اوّل کسی است که به من ایمان می آورد و پیامبرم را تصدیق می کند و مرا تقدیس می نماید و تهلیل و تکبیر می گوید. او جانشین پیامبر من و وزیر و وصی او است و قیام کننده به عدل بعد از اوست. او همسر دختر او و پدر دو نوه اوست.

بهشت برای کسی است که او را دوست بدارد، و جهنم من برای کسی است که او را مبعوض بدارد و با او مخالفت کند و ولایت او را انکار نماید.



سپس در گوش او مطلبی گفتند که من نفهمیدم. بعد او را بوسیدند و برخاستند و بیرون رفتند و من ندانستم از کجا خارج شدند.

۸

ندای الهی بدرقه میهمان کعبه ۱۵

فاطمه بنت اسد سه روز در کعبه ماند و مسلماً وقایعی در آنجا بوقوع پیوسته که حجاب الهی مانع از بازگویی آنها شده است. در آغاز روز چهارم فاطمه آماده بیرون آمدن از کعبه شد. و فرزند را در آغوش گرفت و برخاست تا خارج شود که ندایی را شنید. هاتف غیبی چنین می گفت:

ای فاطمه، نام این مولود را علی بگذار چرا که من خدای علی اعلی هستم. من نام او را از نام خود گرفته ام، و او را به دب خود آموخته ام، و امر خود را به او سپرده ام، و او را بر غوامض علم خود آگاهی داده ام.



ماجراهای هنگام خروج از کعبه

از نظر مردم حساس‌ترین لحظه این ماجرا زمانی بود که کوچکترین اطلاعی از درون کعبه به دست آید، چرا که راه هر امیدی در این باره بسته شده بود. پیداست که با خروج فاطمه از کعبه موج سؤال به سوی او سرازیر می‌شود، و زنان و مردان جداگانه مسائلی را از او می‌پرسند. انتظار مردم به اوج خود رسیده و مسئله هم قابل رها کردن نیست. اما در این میان پیامبر صلی‌الله علیه و آله و حضرت ابوطالب علیه‌السلام از همه آرام‌ترند، چه آنکه از پشت پرده خبرهایی دارند. اینک بقیه ماجرا را پی می‌گیریم.

من اذان می‌گوید و بتها را می‌شکند و آنها را از بالای کعبه به صورت می‌اندازد.

اوست که مرا به عظمت یاد می‌کند و مرا تقدیس و تمجید می‌نماید و به یگانگی یاد می‌کند.

اوست امام بعد از حبیب من و پیامبرم و منتخب از خلق محمد رسولم و اوست جانشینش، خوشا بحال کسی که او را دوست می‌دارد و او را اطاعت می‌کند و او را یاری می‌نماید، و وای بر کسی که بغض او را دارد و از او سرپیچی می‌کند و او را خوار می‌کند و حق او را انکار می‌نماید».

۲

تبریک خداوند به پیامبر صلی‌الله علیه و آله

در ولادت امیرالمؤمنین علیه‌السلام ۱۷

اولین و آخرین باری که خداوند در ولادت فرزندی تبریک گفته همانا میلاد علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام است. پیامبر صلی‌الله علیه و آله در این باره چنین می‌فرماید:

هنگام ولادت علی، جبرئیل بر من نازل شد و چنین پیام آورد:

ای حبیب خدا، خداوند علیّی اعلی بر تو سلام می‌رساند، و برای ولادت برادرت علی به تو تبریک می‌گوید، و می‌فرماید: «اکنون زمان ظهور نبوت تو و اعلان وحی تو و پرده برداری از رسالت تو نزدیک شده است، چرا که تو را به برادرت و وزیرت و دامادت و جانشینت مؤید داشته‌ام. کسی که با او کمر تو را محکم نمودم و ذکر تو را علنی ساختم.

اکنون برخیز و به استقبال او برو، و او را با دست راست در آغوش بگیر، چرا که او از اصحاب یمین است و شیعیانش پیشانی سفیدان نشانه‌دار هستند».

سخنان فاطمه هنگام خروج از کعبه ۱۶

صبح روز چهارم، در مقابل چشمان به انتظار نشسته مردم، ناگهان دیوار کعبه از همان جای قبل شکاف برداشت و از هم فاصله گرفت تا حدی که فاطمه توانست از آن خارج شود. مردم در کمال تعجب ناظر بودند که بانوی با عظمت، مولود کعبه را در آغوش فشرد و نوزاد خندان است و با این حال از شکاف دیوار کعبه خارج می‌شود. قبل از آنکه کسی سؤال کند فاطمه رو به مردم چنین سخن آغاز کرد:

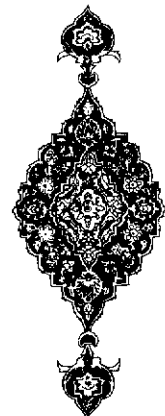
ای مردم، من بر زنانی که قبل از من بوده‌اند فضیلت داده شدم. آسیه بنت مزاحم خداوند را پنهانی در جایی عبادت می‌کرد که خداوند جز از روی اضطرار دوست نداشت در آنجا عبادت شود. خداوند بر مریم بنت عمران ولادت عیسی را آسان نمود و در سرزمین خشکی نخل خشکیده را حرکت داد و از آن خرماهای تازه خورد.

ولی من وارد خانه محترم خداوند شدم، و در خانه عتیق الهی فرزند به دنیا آوردم و سه روز درون آن ماندم و از میوه‌ها و غذاهای بهشت خوردم.

آنگاه که فرزندم را در آغوش گرفتم و خواستم از کعبه خارج شوم، هاتفی ندا داد:

«ای فاطمه، نام این مولود را علی بگذار که من خدای علی اعلی هستم. من او را از قدرت خویش و عزت جلالم و کمال عدلم خلق کرده‌ام و نام او را از نام خود گرفته‌ام و او را به ادب خود آموخته‌ام، و امر خود را به او سپرده‌ام و او را بر غوامض علم خود آگاهی داده‌ام.

او در خانه من بدنیا آمده و اول کسی است که بر فراز خانه



پیامبر صلی الله علیه و آله

قرائت کتب انبیاء علیهم السلام ۱۹

در حالی که نوزاد کعبه در آغوش پیامبر صلی الله علیه و آله بود، رو به آن حضرت کرد و پرسید: یا رسول الله، بخوانم؟! حضرت فرمود: بخوان.

امیرالمؤمنین علیه السلام سینه صاف کرد و شروع به خواندن کتب انبیاء گذشته نمود.

ابتدا از صحف حضرت آدم علیه السلام که بدست پسرش حضرت شیث نگهداری شده بود آغاز کرد، و آنها را چنان خواند که اگر حضرت شیث علیه السلام حاضر بود اقرار می کرد که علی بن ابیطالب علیه السلام آنها را از او بهتر می داند.

سپس صحف حضرت نوح علیه السلام و بعد صحف حضرت ابراهیم علیه السلام را خواند.

بعد از آن تورات حضرت موسی علیه السلام را خواند بطوری که اگر آن حضرت حاضر بود اقرار می کرد که علی بن ابی طالب علیه السلام تورات را بهتر از او می داند.

سپس زبور حضرت داود علیه السلام را طوری خواند که اگر آن حضرت حاضر بود اقرار می کرد که علی بن ابی طالب علیه السلام زبور را بهتر از او می داند.

سپس انجیل را بطوری خواند که اگر حضرت عیسی علیه السلام حاضر بود اقرار می کرد که علی بن ابی طالب علیه السلام انجیل را بهتر از او می داند.

۵

قرائت قرآن قبل از نزول قرآن ۲۰

پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید: «سپس علی بن ابی طالب شروع به خواندن همان قرآنی نمود که خداوند بعدها بر من نازل کرد و آن را طوری خواند که هم اکنون می خوانم». امیرالمؤمنین علیه السلام سینه صاف نمود و چنین آغاز کرد:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ، الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ، وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ، وَالَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ، وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ، فَمَنْ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَاُولَئِكَ هُمُ الْعَادُونَ، وَالَّذِينَ هُمْ لَا مَانِعِيَهُمْ وَعِهِمْ رَاعُونَ، وَالَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ أُولَئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ، الَّذِينَ يَرِثُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» ۲۱.

«بنام خداوند بخشنده مهربان، مؤمنان رستگار شدند. آنانکه در نمازشان خاشع اند. آنانکه از لغو پرهیز می کنند. آنانکه زکات را می پردازند. آنانکه عورت خود را حفظ می کنند.

۳

دیدار نوزاد کعبه با پیامبر صلی الله علیه و آله و پدر ۱۸

قبل از هر کسی پیامبر صلی الله علیه و آله و ابوطالب علیه السلام طبق پیام الهی، زمان خروج فاطمه از کعبه را می دانستند، و قبل از همه کنار کعبه حاضر بودند.

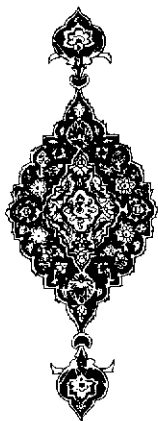
پس از سخنان فاطمه برای مردم حضرت ابوطالب علیه السلام بهمراه پیامبر صلی الله علیه و آله پیش آمدند. فاطمه برایشان آنچه در کعبه اتفاق افتاده بود شرح داد و فضیلتی که خداوند به او و فرزندش ارزانی داشته بیان کرد، و مردمی که گوش می کردند غرق در تعجب بودند.

ابوطالب بسیار خوشحال بود و در نگاه اول فرزند به پدر گفت: «السلام علیک یا اَبه و رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُهُ». حضرت ابوطالب علیه السلام هم در جواب گفت: «و علیک السلام یا بَنی و رَحْمَتُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُهُ»، و سپس فرزند را در آغوش گرفت.

پیامبر صلی الله علیه و آله در حالی که به شدت مسرور بود نزدی آمد. تا چشم علی علیه السلام به آن حضرت افتاد از خوشحالی خود را حرکتی داد و به روی او خندید و عرض کرد: «السلام علیک یا رَسُولَ اللَّهِ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُهُ» و گفت: «مرا در آغوش بگیر!»

پیامبر صلی الله علیه و آله پاسخ سلامش را داد و او را در غوش گرفت. او را بوسید و دست در دست او گذاشت. سپس نوزاد کعبه دست راست بر گوش راست گذاشت و اذان و اقامه نعت و به یگانگی خداوند عزوجل و رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله شهادت داد.

۴



مگر از همسران و کنیزان خود که اشکالی در آن نیست. هر کس از این حد فراتر رود تجاوز کار است. مؤمنان کسانی‌اند که امانتها و عهد خود را مراعات می‌کنند. آنانکه بر نماز خود مواظبت می‌کنند. آنان‌اند که به ارث می‌برند: کسانی که بهشت فردوس را به ارث می‌برند و دائماً در آن خواهند بود».

پیامبر صلی الله علیه و آله خطاب به علی علیه السلام فرمود:

مؤمنان بوسیله تو رستگار شدند. بخدا قسم تو امیر آنها هستی. از علوم خود به مؤمنان توشه می‌دهی و آنان استفاده می‌برند. بخدا قسم تو راهنمای مؤمنان هستی و بوسیله تو هدایت می‌شوند. بخدا قسم تو جانشین و وزیر و داماد منی. تو یاور دین من و ادا کننده قرضهای من و همسر دخترم و پدر دو نوهام و خلیفه من در امتم هستی. خوشا بحال کسی که تابع تو باشد و تو را دوست بدارد، و وای بر کسی که عصیان تو نماید و با تو دشمنی کند. بخدا قسم دوست نمی‌دارد تو را مگر سعادت‌مند، و دشمن نمی‌دارد تو را مگر شقاوت‌مند.

۶

همچنان در آغوش پیامبر صلی الله علیه و آله ۲۲ هنوز لحظات اول ادامه داشت و علی علیه السلام از آغوش پیامبر صلی الله علیه و آله بیرون نیامده بود. اکنون سخن در رازهای نهفته بود.

حضرت ابوطالب علیه السلام می‌گوید: سپس پیامبر صلی الله علیه و آله با علی علیه السلام صحبتهای خصوصی کرد و سوالات بسیاری از او نمود. علی علیه السلام هم با اسراری که بین خود داشتند با آن حضرت سخن گفت و آنگونه که انبیاء و جانشینان با یکدیگر سخن می‌گویند با هم صحبت کردند.

پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«علی قرآنی را که خداوند بر من نازل کرده از اول تا آخر خواند و من دیدم همانطور که بر من نازل شده او می‌داند» ۲۳.

سپس پیامبر صلی الله علیه و آله با زبان مبارک دهان علی علیه السلام را باز کرد، و زبان خود را در دهان او قرار داد. در این حال دروازه چشمه از زبان آن حضرت بر دهان علی علیه السلام باز شد و این چنین کام او را برداشت.

بعد از آن پیامبر صلی الله علیه و آله در گوش راست امیرالمؤمنین علیه السلام اذان و در گوش چپ او اقامه گفت. سپس نوزاد کعبه رو به پدر کرد و گفت: «اکنون نزد مترم (راهب) برو و او را بشارت ده و آنچه دیدی برای او باز گو کن، اکنون در فلان غار است».

بعد از آن پیامبر صلی الله علیه و آله مولود کعبه را در آغوش خود حمل کرد تا همگی به خانه حضرت ابوطالب علیه السلام وارد شدند.

۷

نامگذاری نوزاد کعبه ۲۴

اگر چه در کعبه نام تازه مولود از سوی خداوند اعلان شده بود، ولی خداوند خواست بار دیگر جلوه‌ای از عظمت امیرالمؤمنین علیه السلام را بر همه بنمایاند.

حضرت ابوطالب علیه السلام فرزند را در آغوش گرفت، و با فاطمه بنت اسد به بیابان بیرون مکه آمدند، و در آنجا به درگاه خداوند عرضه داشت:

يَا رَبِّ يَا ذَا الْعَسْوِ الدَّجِي وَ الْقَمَرِ الْمُتَبَلِّغِ الْمُضِيِّ
بَيْنَ لَنَا مِنْ حُكْمِ الْمُقْضِيِّ مَا ذَا تَرَى فِي اسْمِ ذَا الصَّبِيِّ

پروردگارا، ای خدای تاریکی ظلمانی، ای خدای ماه روشن و نورانی، از حکم مقدر خود بر ما روشن کن درباره نام این فرزند چه حکم می‌فرمایی؟

پس از این درخواست چیزی مانند ابر از آسمان پیدا شد و به سوی حضرت ابوطالب علیه السلام آمد تا در مقابل او قرار گرفت. حضرت همانطور که فرزند را در آغوش داشت آن را هم گرفت.

لوح سبزی بود که در آن چنین نوشته بود:

خَصَّصْنَا بِالْوَلَدِ الزَّكِيِّ وَ الطَّاهِرِ الْمُتَنَجِّبِ الرِّضِيِّ
فَاسْمُهُ مِنْ شَامِخِ عَلِيٍّ عَلِيُّ اسْتَقَى مِنَ الْعَلِيِّ

شما به فرزند پاک و طاهر که انتخاب شده و پسندیده خداست اختصاص یافته‌اید. نام او از جانب خداوند بلند مرتبه علی است. نام «علی» از نام خداوند که علی است گرفته شده است.

و این چنین نامگذاری فرزند بار دیگر از سوی حضرت باری تعالی اعلام شد و فرزند کعبه «علی» نامیده شد. این لوح سبز را که از آیات الهی محسوب می‌شد در کعبه آویختند، تا نسلهای آینده علی بن ابی طالب علیه السلام بهتر بشناسند و از ساعات اول حیات او مقام عظیمش را درک کنند.

۱- بحارالانوار: ج ۳۵ ص ۱۳ ح ۱۲ و روضه الواعظین: ص ۸۱



- ۲- این تاریخ مطابق ۲۱ مارس سال ۵۹۹ میلادی است.
- ۳- بحار الانوار: ج ۳۵ ص ۳۰ ح ۲۶؛ العمده: ص ۱۰ و علی علیه السلام ولید الکعبه: ص ۳۰.
- ۴- بحار الانوار: ج ۳۵ ص ۸ ح ۱۱ و ج ۳۵ ص ۳۶ ح ۳۷؛ علل الشرایع: ص ۵۶؛ معانی الاخبار: ص ۶۲؛ شیخ طوسی: ص ۸۰.
- ۵- بحار الانوار: ج ۳۵ ص ۳۶؛ امالی شیخ طوسی: ص ۸۰ و نلی علیه السلام ولید الکعبه: ص ۳۰.
- ۶- یعنی پشت آن سمتی که درب کعبه در آن است.
- ۷- بحار الانوار: ج ۳۵ ص ۹ ح ۱۱ و ص ۳۷؛ اعلام الوری: ص ۹۱ و الارشاد: ص ۳.
- ۸- بحار الانوار: ج ۳۵ ص ۱۳ ح ۱۲ و روضه الواعظین: ص ۶۸.
- ۹- بحار الانوار: ج ۳۵ ص ۳۷ ح ۱۳؛ امالی شیخ طوسی: ص ۸۰؛ علی علیه السلام ولید الکعبه: ص ۳۱ و جنات الخلود: ص ۳.
- ۱۰- علی علیه السلام ولید الکعبه: ص ۴۱.
- ۱۱- بحار الانوار: ج ۳۵ ص ۱۳ ح ۱۲؛ روضه الواعظین: ص ۷۱.
- ۶ و علی علیه السلام ولید الکعبه: ص ۳۱.
- ۱۲- منظور عبدالرحمن بن ملجم مرادی لعنه الله است.
- ۱۳- علی علیه السلام ولید الکعبه: ص ۳۱.
- ۱۴- علی علیه السلام ولید الکعبه: ص ۳۲.
- ۱۵- بحار الانوار: ج ۳۵ ص ۹ ح ۱۱ و ص ۳۷؛ علل الشرایع: ص ۵؛ معانی الاخبار: ص ۶۲؛ امالی شیخ صدوق: ص ۸۰؛ روضه الواعظین: ص ۶۷ و علی علیه السلام ولید الکعبه: ص ۳۴.
- ۱۶- بحار الانوار: ج ۳۵ ص ۸ ح ۱۱، ص ۳۷؛ روضه الواعظین: ص ۶۷؛ علل الشرایع: ص ۵۶؛ معانی الاخبار: ص ۶۲؛ امالی صدوق:
- ص ۸۰؛ کشف الیقین: ص ۶؛ بشاره المصطفی: ص ۹ و علی علیه السلام ولید الکعبه: ص ۳۳.
- ۱۷- بحار الانوار: ج ۳۵ ص ۲۱ و روضه الواعظین: ص ۷۲.
- ۱۸- بحار الانوار: ج ۳۵ ص ۲۲، ۲۳؛ روضه الواعظین: ص ۷۲؛ امالی شیخ طوسی: ص ۸۰ و علی علیه السلام ولید الکعبه: ص ۳۳ و ۳۴.
- ۱۹- بحار الانوار: ج ۳۵ ص ۲۲ و ۲۳؛ روضه الواعظین: ص ۷۲ و امالی شیخ طوسی: ص ۸۰.
- ۲۰- بحار الانوار: ج ۳۵ ص ۲۲ و ۲۳؛ روضه الواعظین: ص ۷۲ و امالی شیخ طوسی: ص ۸۰.
- ۲۱- سوره مومنون: آیات ۱۱-۱.
- ۲۲- بحار الانوار: ج ۳۵ ص ۱۸، ۲۲، ۳۰، ۳۸؛ مناقب ابن شهر آشوب ج ۲ ص ۱۷۲؛ روضه الواعظین: ص ۷۲؛ امالی شیخ طوسی: ص ۸۰ و العمده: ص ۱۴.
- ۲۳- البته خواندن همه قرآن ممکن است طی چند روزه اول ولادت انجام گرفته باشد و یا خواندن به گونه ای خاص بوده که بین انبیاء و اوصیاء مطرح است و از آن معلوم شده که همه قرآن را می دانند.
- ۲۴- بحار الانوار: ج ۳۵ ص ۱۸ و مناقب ابن شهر آشوب: ج ۲ ص ۱۷۲.